

بررسی سیاستگذاری های آبی
استان کرمان در گفت و گوی
اقتصاد کرمان با مهدی آگاه

رفع ابهام از واقعیت های حوزه آب



هر گونه محاسبه بهره‌وری باید با شفافیت معیار مورد استفاده را مشخص نماید. گفتنی است که محاسبات بدست آمده در زمینه بهره‌وری بر حسب معیار انتخابی نتایج متفاوت و اغلب متناقض ایجاد خواهد کرد.

۳- تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم مسئله آب نه یک مسئله کشوری بلکه مسئله‌ای خاص هر حوضه آبگیر است و نمی‌توان مسائل حوضه آبی کویر در انجیر (شامل دشت‌های بردسیر، رفسنجان، کرمان و زرنند) و حوضه آبریز دریاچه نمک (شامل تهران بزرگ، کرج، شهریار و ورامین) را یکی دانست و درباره مسائل آب ایران فتوای کلی داد. ممکن است کشت یا صنعتی در حوضه کویر در انجیر بهره‌وری آبی متفاوتی با همان کشت یا صنعت در حومه تهران داشته باشد. بین این دو حوضه هیچ گونه ارتباط آبی وجود ندارد و در شرایط اقتصاد بازار، قیمت آب در این دو حوضه قطعاً متفاوت خواهد بود؛ مگر فروش آب آشامیدنی در بطری!

مضافاً ممکن است در حوضه آبریز کویر در انجیر مصرف آب کشاورزی پنج برابر مصرف آب شهری و صنعت بوده و صرفه جویی در آب کشاورزی معنادار باشد. در حالیکه در حوضه دریاچه نمک مصرف آب شهری و صنعتی عمده و در نتیجه صرفه جویی در آن بخش معنادار باشد.

۴- به گفته طلاب "اثبات شیء نفی ما ادا نمی‌کند. اینکه حقیر گفته‌ام که در سال‌های اخیر استفاده بی‌رویه از آب در کشت پسته خیانت به این زیست بوم بوده است، دلیل آن نمی‌شود که توصیه کارشناسان به کشت گندم را از بان بارتر نبینم. خیانت از آن هم عظیم‌تر انتقال کارخانه فولاد از بندرعباس به بالا دست زاینده‌رود (مبارکه) و خشکاندن زاینده‌رود و ایجاد نیروگاه‌ها و کارخانه‌های آب و انرژی بر (نظیر نیروگاه حرارتی، فولاد و پتروشیمی) در فلات خشک مرکزی ایران و سودآور نشان دادن این صنایع از طریق فروش گاز ارزان به آنهاست. اظهار نظر اینجانب در آن مصاحبه که در شماره ۹۷ ماهنامه پسته مورخ اسفند ۹۲ انتشار یافت، با این امید بود که زبان بار بودن مصرف آب‌های تجدیدناپذیر مورد توجه سایر بخش‌های مصرف کننده آب اعم از شهری، کشاورزی و صنعتی قرار گیرد و دیگران نیز تشویق شوند که به خیانت عظیم‌تر با اشتباهات فاحش و خانمان سوز خود اعتراف کنند.

اقتصاد کرمان: شرایط آبی استان کرمان را بحرانی بدانیم یا نه، واقعیت این است که آبادانی و توسعه استان در گرو رفع این چالش است. تکثر دیدگاه‌ها و نظرات در خصوص این مساله اساسی استان، ما را به گفت‌وگو با مهدی آگاه صاحب نظر اقتصادی استان رساند تا به بررسی و نقد همه نسخه‌هایی که برای آب پیچیده می‌شود، بپردازیم.

آقای آگاه، بیشتر کارشناسان دولتی معتقدند که مصرف آب در صنعت، بهره‌وری بالاتری نسبت به مصرف آب در کشاورزی دارد و از شما نیز نقل شده است که مصرف بی‌رویه آب در کشاورزی خیانت به کشور محسوب می‌شود. آیا گفته شما به نوعی تأیید نظر آن کارشناسان دولتی است؟
باتشکر از طرح این سؤال که به اینجانب فرصت می‌دهد که در بحث به این مهمی نخست طالب شفافیت در مفاهیم باشیم. در سؤال شما چهار نکته مبهم نیاز به شفاف سازی دارد که به ذکر مثال‌هایی برای روشن شدن این ابهامات می‌پردازم.
۱- در زمینه بهره‌وری آب در مصارف مختلف، مسئله اعتقادی نیست بلکه محاسباتی است. به عنوان مثال جناب آقای محمدرضا دهقان پور مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی بودجه استانداری کرمان در ویژه نامه نوروز ۹۴ این رسانه محترم ادعا کرده بودند: "بر اساس ارزیابی‌های انجام شده، بهره‌وری هر متر مکعب آب در بخش صنعت و معدن استان در قیاس با بخش کشاورزی بیش از صد و چهل برابر است." این ارزیابی‌ها باید به وضوح ارائه و مستند شود تا بتوان مناسب بودن معیار ارزیابی را مورد سنجش قرار داد و محاسبات ارزیابی را بازبینی کرد. اینکه به ارزیابی‌هایی اشاره شود که معلوم نیست کشت کدام گیاه، در چه شرایطی و در چه اقلیمی با مصرف آب در کدام صنعت مقایسه شده تا به ۱۴ هزار درصد افزایش بهره‌وری (در صنعت نسبت به کشاورزی) رسیده باشیم، کلی گویی است. عدد پرانی به تنهایی در مخاطب ایجاد اطمینان و قطعیت نمی‌کند.

۲- در زمینه مقایسه بهره‌وری آب در مصارف گوناگون چه صنعتی و چه کشاورزی تا آنجا که اینجانب در محافل تخصصی دیده‌ام پنج معیار متفاوت بر حسب نیاز اجتماعی و یا اهداف اقتصاد سیاسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.



اکنون می توانم با خاطری جمع تر به پرسش شما پاسخ دهم. نه تنها هیچ محاسبه علمی در برتری صنعت به کشاورزی در حوضه های آبریز فلات ایران ندیده ام بلکه برخی محاسبات مقدماتی اینجانب نشان می دهد که در طولانی مدت برخی کشت ها بر اغلب سرمایه گذاری های صنعتی فعلی انرژی بر، با دید صرفه جویی در مصرف آب، ارجحیت دارد. حتی با آب مجانی هم برخی صنایع مورد حمایت دولت بدون دریافت یارانه های مخفی، قابل رقابت در صحنه جهانی نیستند.

شما به معیار های گوناگون بهره وری آب اشاره کردید. چگونه باید معیار واحد را انتخاب کرد؟

انتخاب معیار بستگی به دیدگاه بلندمدت حاکمان سیاسی کشور دارد. به طور مثال اگر سیاسیون مهمترین لازمه بقاء و امنیت کشور را در مقطعی تولید و وسایل نقلیه و ابزار جنگی اعم از تانک و توپ و پل های متحرک و غیره در داخل کشور بدانند، در آن صورت دیگر معیار های بهره وری اقتصادی آب بی معناست. اما می توان نسبت به مکان یابی این صنایع و کارخانه های فولاد که باید پشتیبان این صنایع باشند در مجاورت دریای جنوب یا شمال کشور ادعای ارجحیت کرد. از سوی دیگر مثلاً معاون وزیر جهاد کشاورزی جناب آقای عباس کشاورز خود کفایی در تولید مواد اصلی غذایی را یک مسئله حاد امنیت ملی تلقی و گفته اند "باید دید در مقابل مصرف یک متر مکعب آب چه میزان ماده خشک غذایی تولید می شود." می دانیم در شرایط مطلوب در ایران با مصرف یک متر مکعب آب ۸۰ گرم مغز پسته و ۶۵۰ گرم گندم تولید می شود. با این معیار که "معیار خود کفایی غذایی" نامیده می شود کشت گندم به پسته بیش از هشت برابر ارجحیت دارد.

اما عیب بزرگ این معیار این است که درآمد گندم کار را نسبت به باغدار پسته، اگر هر دو مقدار آب مساوی داشته باشند، به یک هفتم کاهش می دهد. در طولانی مدت نمی توان کشاورز گندم کار را به این میزان از ایثار و ریاضت واداشت.

اما چنانچه سیاسیون توسعه کشور را در چهار چوب رقابت سالم اقتصادی ببینند، آنگاه دو معیار اقتصادی در زمینه بهره وری آب جایگزین "معیار خود کفایی غذایی" جناب آقای عباس کشاورز می شود.

نخست معیار ارزش آوری را توضیح می دهم. این معیار بیانگر ارزش فوب خلیج فارس کالای تولید شده در مزارع و کارخانه ها به ازاء مصرف یک متر مکعب آب است. جهت شفاف تر شدن موضوع برای خوانندگان محترم سه کالای کشاورزی را با این معیار مقایسه می کنم.

کشت گندم: متوسط قیمت گندم تحویل روی کشتی در خلیج فارس هر تن ۲۵۰ دلار می باشد. با توجه به آنکه در کشت آبی با مصرف یک متر مکعب آب ششصد و پنجاه گرم گندم تولید می شود، اندکی محاسبه نشان می دهد که در ازاء مصرف هر متر مکعب آب در کشت گندم، ۱۷ سنت (cent) به دست می آید. کشت پسته: متوسط قیمت پسته خشک در پوست سخت تحویل روی کشتی در خلیج فارس هر تن ۸۰۰۰ دلار می باشد. با توجه به آنکه با مصرف یک متر مکعب آب ۱۵۰ گرم پسته تولید می شود، اندکی محاسبه نشان می دهد که در ازاء مصرف هر متر مکعب آب ارزش آوری آن ۱۲۰ سنت می باشد. اما از آنجا که یک پنجم نخست عمر مفید درخت پسته بدون ثمردهی است، باید از عدد فوق ۲۰ سنت بابت هزینه آب دوران رشد اولیه درخت کنار گذاشت. به طور خلاصه در ازاء هر متر مکعب آب ارزش آوری پسته ۱۰۰ سنت خواهد بود.

کشت هندوانه: حداقل قیمت هر تن هندوانه تحویل روی کشتی در خلیج فارس ۳۴۰ دلار است. با توجه به آنکه در کشت آبی با مصرف یک متر مکعب آب دو ونیم کیلو گرم هندوانه تولید می شود، اندکی محاسبه نشان می دهد که در ازاء مصرف هر متر مکعب آب ارزش آوری آن ۸۵ سنت می باشد.

می بینیم با این معیار کشت پسته در مقابل مصرف هر متر مکعب آب تقریباً ۶ برابر ارجح تر از کشت گندم و کشت هندوانه ۵ برابر بر کشت گندم ارجحیت دارد. این معیار نشان می دهد که اگر به جای مصرف بیست میلیارد متر مکعب آب در

سال که برای خود کفایی در تولید گندم (به میزان ۱۳ میلیون تن در سال) نیاز هست، تمام گندم مورد نیاز را از خارج وارد کنیم و هم ارزش آن هندوانه روی کشتی تحویل دهیم، تولید این مقدار هندوانه به کمتر از چهار میلیارد متر مکعب آب نیاز دارد. یعنی کشت گندم به جای هندوانه با ارزش تولیدی مساوی مصرف آب را پنج برابر می کند!

اعدادی که در این مقایسه در مورد میزان آب مصرفی کشت هندوانه به کار رفته است از گفته های کارشناسان و مسئولان در گزارش خبری از وب سایت "اتاق خبر ۲۴" مورخ دوازدهم تیر ماه ۹۴ برداشت شده است. در همان گزارش وزرای جهاد کشاورزی و نیرو کشت هندوانه را به خاطر مصرف بی رویه آب مذموم دانسته و وزیر جهاد کشاورزی فرموده اند: "ترجیح می دهیم محصولاتی در کشور تولید شوند که دارای مزایای نسبی، ارزش افزوده (بیشتر) و کمترین نیاز به آب باشد." اگر آن وزیر محترم حاضر به استفاده فقط چهار عمل اصلی حساب دبستانی بودند متوجه می شدند از دیدگاه مورد نظر ایشان، یعنی صرفه جویی در آب و تولید ارزش افزوده، این کشت هندوانه است که به کشت گندم ارجحیت دارد.

چطور ممکن است چنین مطلب ظاهراً واضحی از چشم مسئولین دولتی پوشیده مانده باشد؟

حقیر هم سال هاست در این مسئله حیرانم. چگونه می توان برنامه ریزی بدون استفاده از ریاضیات دبستانی کرد و همچنان در مقام مسئولیت پاسداری از منابع و ذخائر ارزشمند کشور و نظارت بر استفاده بهینه از آن باقی ماند.

شاید از شدت سختگیری این داوری بتوان کاست هنگامی که بدانیم سنجش واقعی مصرف بهینه آب در تولید کالا پیچیدگی هایی بیش از چهار عمل اصلی داشته و بر آورد صحیح آن در شرایط اقتصادی دستوری بسیار سخت بوده و بعید است در زمان حاکمیت اقتصاد دستوری اهمیت لازم را در دیدگاه مسئولین داشته باشد.

در واقع این معیار سنجش به خاطر سهولت مقایسه مورد توجه کارشناسان اقتصادی است. اما باید توجه کرد در این معیار به هزینه های تولید کالای مورد مقایسه توجه نشده و فقط فروش دلاری کالا روی کشتی، معیار ارزش گذاری آب قرار می گیرد. با این وجود زمانی که فقط بحث مقایسه مصرف بهینه آب در تولید

کالاهای کشاورزی در میان باشد به خاطر تشابه سایر هزینه ها در این بخش، این معیار به طور نسبی پاسخگو بوده و نباید از آن چشم پوشید. این معیار در شرایط فعلی برای مقایسه بهره وری آب بین بخش کشاورزی و صنعت کارایی ندارد.

شما اشاره کردید دو معیار اقتصادی بهره وری آب قابل طرح است. پس معیار دوم چیست؟

داشتیم به همین نکته می رسیدیم. دومین معیار اقتصادی برای مقایسه بهره وری آب در تولید عموم کالاها اعم از صنعتی و کشاورزی، "معیار ارزش جغرافیایی آب" است. نخست توجه کنیم که ارزش بازاری آب در اقلیم ها و حوضه های آبی متفاوت می تواند دامنه بسیار وسیعی داشته باشد. مثلاً با آنکه قیمت بازاری آب کشاورزی در کشور او کراین تقریباً صفر است و بر روی آن معامله ای انجام نمی شود در ناحیه ای مثل شهرستان انار قیمت بازاری آب خام در فصل تابستان به ۲۰۰۰ تومان هر متر مکعب می رسد.

معیار ارزش جغرافیایی آب را می توان بدین گونه تشریح کرد: اگر ارزش فوب یک واحد وزنی کالای تولید شده در یک منطقه از یک کشور را در نظر گرفته و کلیه هزینه های تولید و حمل و نقل آن میزان کالا تا بندر به جز هزینه آب را از آن کم کنیم، مانده عددی است که ارزش یک متر مکعب آب را در تولید آن کالا در آن منطقه معین می کند.

به ظاهر این محاسبه نباید مشکل چندانی ایجاد کند و در واقع در کشورهایی که اقتصاد بازار حاکم است به سهولت می توان به این عدد دست یافت. اما متأسفانه در ایران در چهل و سه سال گذشته اقتصاد دستوری حاکم بوده و هزینه های

هر گونه محاسبه بهره وری باید با شفافیت معیار مورد استفاده را مشخص نماید. گفتنی است که محاسبات به دست آمده در زمینه بهره وری بر حسب معیار انتخابی نتایج متفاوت و اغلب متناقض ایجاد خواهد کرد



تولید و نرخ ارز به هیچوجه شفاف نبوده و تحت تأثیر تغییر دولت‌ها می‌توانند تا ده‌ها برابر زیر و رو شوند.

چندین مثال برای این غیرشفاف بودن که در اقتصاد بازار غیرقابل تحمل است می‌توانم ذکر کنم. مثال اول این است که در سال ۱۳۹۲ گاز طبیعی هر متر مکعب ۲ سنت به مصرف‌کننده‌های شخصی و کارخانه‌ها تحویل داده می‌شود. قیمت صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه در آن زمان هر متر مکعب ۵۵ سنت و به عراق ۴۴ سنت و قرارداد فروش گاز به پاکستان که بخش ایرانی لوله کشی آن به پایان رسیده، ۵۰ سنت بوده است. در همین زمان کمبود گاز طبیعی خراسان از ترکمنستان تأمین و از قرار متر مکعبی ۳۸ سنت خریداری شده است.

سؤال این است اگر اقتصاد بازار حاکم می‌بود و گاز را به قیمت حداقل ۴۰ سنت به کارخانه‌های پتروشیمی و فولاد و غیره تجویل می‌دادیم، آیا هزینه‌ها بر قیمت صادراتی فوب خلیج فارس کالاهای تولید شده فزونی نمی‌گرفت؟ تخمین حقیر آن است که این کارخانه‌ها حتی قادر به مصرف آب در متر مکعبی صفر ریال نیز نمی‌بودند. چه رسد به آنکه آب را بخواهند به قیمت مترمکعبی بیش از ده هزار تومان از خلیج فارس شیرین کرده و به سیرجان برسانند. مثال دیگر این است که بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ قیمت هر دلار آمریکا علی‌رغم کوشش دولت دهم به تثبیت آن، از ۱۳۰۰ تومان در کمتر از یک سال به ۳۶۰۰ تومان افزایش یافت. حال چنانچه یارانه‌های آشکار و پنهان گوناگون به شرکت‌های خودروسازی پرداخت نمی‌شد، آیا تولیدات این شرکت‌ها توانایی رقابت با خودروهایی خارجی را می‌داشت که حتی مصرف‌کننده آب باقی‌مانند. بدون علت نیست که اجرای دو مصوبه دوران ساز مجلس شورای اسلامی از سوی دیوانسالاران دولت‌های اخیر بر خلاف قانون مسکوت مانده است. در سال ۱۳۸۱ مجلس نرخ دلار را تک‌نرخ اعلام و مصوب کرد که نرخ ارز در تناسب با اختلاف تورم ریال و دلار سالانه افزایش یابد. اما دولت‌ها تا ده سال این قانون را اجرا نکردند و هم‌اکنون نیز اجرا نمی‌کنند. اگر این مصوبه اجرا می‌شد اکنون نرخ دلار بیش از ده هزار تومان می‌بود و برخی صنایع و کشت‌ها از رونق افتاده و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت صنایع و تولیدات کشاورزی بهینه سوق داده می‌شد.

قانون دیگری که از طرف دیوانسالاران اخیر زیر پا گذاشته شده قانون کاهش یارانه‌های پنهان انرژی و پرداخت هدفمندانه یارانه‌های نقدی به عموم ملت ایران بوده است. طبق این قانون باید کلیه حامل‌های انرژی ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس آنها باشد. در حالیکه برای سال‌ها صنایع انرژی بر به میزانی تا ۲۵۰ درصد یارانه غیر مستقیم انرژی دریافت کرده‌اند.

به عبارت دیگر در این سال‌ها که دولت می‌بایست هر بشکه نفت را به قیمت ۹۵ دلار تحویل کارخانه‌های داخلی می‌داد، سوخت این کارخانه‌ها را معادل هر بشکه نفت سه دلار و ۲۴ سنت به این کارخانه‌ها تحویل داده است. در واقع به کمتر از یک بیست و نهم (۱/۲۹) قیمت مصوب مجلس.

بر طبق بند ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ دیوانسالارانی که چنین ضرر هنگفتی به خزانه دولت زده‌اند، شخصاً ضامن تأدیه خسارت به بیت‌المال می‌باشند.

شما که می‌گویید در این اقتصاد دستوری قیمت‌ها و هزینه‌های تولید بر پایه محکم استوار نیستند چگونه برای طرح‌های بلند مدت صنعتی

اقتصادی و آمایش سرزمین، توجیه اقتصادی تهیه می‌شود؟

می‌خواهم پاسخ این پرسش را بدون هر گونه رو در بایستی بدهم. تهیه کنندگان طرح‌های توجیهی خود نیز به پوچ بودن این محاسبات واقفند و به همین علت است که پس از نوشتن طرح، حتی چهار عمل اصلی و ریاضی دبستانی را نیز دیگر به بازی نمی‌گیرند. در این کشور نخست به قدرت می‌رسیم بعد طرح‌هایی را که به دلایل گوناگون از قبل در نظر داشته‌ایم ملبس به لباس فاخر توجیه "اقتصادی" می‌کنیم. اما در نهایت، مجری که خود می‌داند طرح چگونه تهیه شده است حتی زحمت تطبیق آن را با واقعیت به خود نمی‌دهد. حتی اگر بتوان با یک حساب ساده به تباهی آن پی‌برد. تناقض گویی آشکار دو وزیر و یک معاون نظارت بر بهره‌برداری آبغای کشور در گزارش منتشر شده در وب‌سایت اتاق خبر ۲۴ (که در فوق به آن اشاره شده است) نمونه بارز این مدعاست.

برای درک زبانی که از بابت یارانه‌های پنهان انرژی و قیمت‌های ساختگی آن به اقتصاد ملی وارد می‌آید، پنج مورد در خاطر دارم.

الف- در حالی که شدت تابش و تعداد روزهای آفتابی در سال در حوالی کرمان به مراتب از کشور آلمان بیشتر است، استفاده از انرژی خورشیدی در ایران به صرفه نیست. زیرا نمی‌تواند با گاز ۲۵ برابر ارزان شده رقابت کند.

ب- صنعتی که در صورت حذف یارانه‌ها نمی‌تواند روی پای خود بایستد، با کمک یارانه‌های پنهان انرژی توانایی آن را دارد که آب بحر عمان را شیرین کرده و با گذراندن از ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر و در فاصله بیش از ۵۰۰ کیلومتر در کارخانه فولاد خود به مصرف برساند.

ج- افزایش فاصله طبقاتی و دو قطبی شدن جمعیت بیش از همه چیز موهون آن است که ثروتمندان، چه در خانه و چه در کارخانه خود، توان مصرف انرژی بیشتری را دارند تا آن زارع فقیر در اندوهجرد.

د- مصرف گاز طبیعی با ارزان‌فروشی، تا آنجا تشویق شده که ملت ۸۰ میلیونی ایران بیشتر از اروپای مرفه ۳۶۰ میلیونی، گاز طبیعی مصرف می‌کند.

ه- گویا وزارت نیرو یارانه‌های سهمگین انرژی را برای کارخانه‌داران کافی نمی‌داند و به کشاورزان دستور می‌دهد که چنانچه زراعتشان بی‌صرفه شده می‌توانند پروانه بهره‌برداری چاه آب خود را فقط به صاحبان صنایع بفروشند و اکید نمی‌توانند آن را به همسایه کشاورز موفقی که در پنج کیلومتری ایشان مزرعه‌دار است، آب را انتقال دهند. کراراً و با خشونت چنین مجاری انتقال آبی را با بلدوزر منهدم کرده‌اند.

ان شاءالله که سخنان دل‌سرد کننده شما از سوی مسئولین پاسخی در خور داشته باشند. می‌خواستم در پایان نظر تان را درباره طرح همیاران آب بدانم؟

اطلاعات حقیر از کشاورزی محدود به پسته، هندوانه و گندم است. از سایر کشت‌ها اطلاع کافی ندارم. همین قدر می‌دانم هندوانه در مناطق جنوبی استان از سوی کشاورزان با صرفه‌ترین محصول شناخته می‌شود. ولی آن طور که شیده‌ام در یکی از جلسات کارشناسی طرح همیاران آب که بعد از محاسبات کارشناسی خود کشت هندوانه را با صرفه‌تر از کشت گندم یافتند، تشخیص مصلحت دادند که حقیقت را کتمان کنند!!

در پایان لازم می‌بینم که کوشش‌های خانواده نعمت الهی را در شفاف‌سازی مسائل اقتصادی استان ارج نهم.

تأمین با ما | پیوندها

یکشنبه 2 اسفند 1394 :: Sunday 21 February 2016

OTAGHKHABAR24.IR

صفحه نخست | اتاق سیاسی | اتاق حوادث | اتاق نرم افزار و فناوری | مجله اتاق خبر 25 | RSS

حاشیه های انتخاباتی در فضای مجازی از دروغ گویی برخی کاندیداها تا فقدان ارائه برنامه‌های آینده

پربازدیدترین | پربحث‌ترین

عظ املائی در یومسز انتخاباتی یک نامزد

آیت‌الله آملی: از خیوگان تا ریاست فوه قضائیه

یومسز نوجوان انتحاری داعش بر دمستان پدرش

آرایشگر مشهور داعش تیرباران شد

دربارہ خواص درمانی زنجبیل چه می‌دانید؟

آیا ارتش سوریه آماده جنگ با ترکیه است؟

سر نوشت ناگوار دختر 14 ساله

فیلم اسخترانی آیت‌الله آملی درباره حقیقت قرآن

مدرن ترین هواپیمای ایرباس در تهران

اتاق خبر 24: حمیدرضا تشییع معاون نظارت بر بهره برداری آبغای کشور بیشتر گفته بود: هزینه تولید هر لیتر آب در تانبه 300 میلیون تومان و هزینه تأمین، انتقال، تصفیه و توزیع آن نیز 900 میلیون تومان است.

همچنین رحیم میدالی معاون وزیر نیرو پیش از این گفته بود: بر اساس

تولید هندوانه در ایران چقدر آب می‌خورد؟

در حالی هزینه تولید یک لیتر آب زیر زمینی ۳۰۰ میلیون تومان و قیمت فروش آب هم لیتری ۱۰۰۰ تومان است، تولید یک هندوانه ۱۰ کیلوگی در ایران بین ۲۰۵ میلیون تا ۷۵۰ میلیارد تومان آب می‌خورد.



